

عدالت به مثابه برابری (روایتی مدرن از اندیشه سیاسی شهید مزاری)

محمدحسین خلوصی 

شهروندی آن قدر ثروتمند نیست که دیگران را به خدمت درآورد و هیچ شهروندی آن قدر فقیر نیست که مجبور باشد خود را بفروشد.» (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۱۶۸). او معتقد است که بدون وجود برابری، دستیابی به آزادی و عدالت نیز امکان پذیر نیست؛ چون ثروتمند، قانون را در کیسه پولش می بیند و فقیر نان را بیش از آزادی دوست می دارد

از اندیشه سیاسی شهید مزاری، ممکن است روایت‌های متعددی ارائه شود؛ اما آنچه در همه روایت‌ها اهمیت دارد دو مفهوم بنیادین عدالت و برابری است. این نوشتار، می‌کوشد با رهیافت مدرن، برابری را به‌عنوان یک گفتمان عدالت‌خواهانه در اندیشه وی صورت‌بندی کند.

امتیاز مهمی که اندیشه عصر مدرن به آن شناخته می‌شود، ترفیع جایگاه فرد به شهروند است. دستیابی فرد به جایگاه شهروندی از آغاز عصر مدرن با دو مؤلفه آزادی و برابری قرین بوده است و هر یکی از این مؤلفه‌ها فراز و فرودهای مهمی را پشت سر گذاشته است. جان لاک بر آزادی تأکید کرد و روسو برابری را مهم دانست. از منظر روسو فساد جامعه از دغل‌بازی و نابرابری ریشه می‌گیرد. کتاب قرارداد اجتماعی در واکنش به این شکست‌ها جامعه‌ای را مجسم می‌کند که نابرابری تفرقه‌انداز و رفتار تصنعی در آن وجود ندارد. همه شهروندان آن جامعه باهم برابرند. جامعه سعادت‌مند روسو «برابری اخلاقی و مشروع را که در آن بر اساس قرارداد، همه حقوق مساوی دارند»، به جای نابرابری طبیعی و جسمی می‌نشانند. حتی نابرابری اقتصادی شهروندان در جامعه ایده‌آل روسو به حدی نیست که برابری اخلاقی و سیاسی را تحت الشعاع خود قرار دهد؛ زیرا: «هیچ

”

از منظر ایشان امنیت فراگیر، زمانی محقق می‌شود که دولت و شهروندان به حق برخورداری از زندگی مسالمت‌آمیز شهروندان احترام بگذارند. هرگونه فزون‌خواهی با هویت‌های قومی در این روند اختلال وارد کرده و موجب ایجاد فاجعه می‌شود.

“

نظام‌های سیاسی، برابری است. بر این اساس برابری پیچیده است که نظام سیاسی را متصف به نظام سیاسی عادل و یا نظام سیاسی ظالم، وصف می‌کند. تفکیکی که در طول تاریخ تمدن اسلامی، دولت‌ها با همین معیار (عدالت) از هم متمایز می‌شده‌اند.

روایت مدرن از اندیشه شهید مزاری چنین تبیینی از عدالت را برمی‌تابد. مشخص است که تبیین‌های سنت‌گرایانه و مدرن از اندیشه سیاسی شهید مزاری در مفصل‌بندی، تفاوت‌های جدی داشته باشد؛ اما هر دو تفسیر به عدالت‌ورزی و نقش بنیادین آن در جامعه از منظر وی صحه خواهد گذاشت. تأکیدهای متعدد شهید مزاری بر عنصر برابری، می‌تواند به این مهم راهنمایی کند که با یک رویکرد علمی، عدالت اجتماعی جدا از مؤلفه برابری در نظریه وی نیست؛ بلکه همان تفسیر عدالت به‌مثابه برابری، بازتاب‌دهنده مفهوم عدالت اجتماعی از منظر وی است.

بر این اساس، منظور عدالت به‌مثابه برابری به‌عنوان یک گفتمان در اندیشه شهید مزاری، برابری است؛ اما نه برابری به صورت ساده بلکه برابری به‌صورت پیچیده. اگر اندیشه‌های شهید مزاری در خصوص برابری صورت‌بندی کنیم تا شکل گفتمانی داشته باشد، دقیقه‌های سازنده این گفتمان عدالت‌خواهی چنین خواهد بود:

الف. امنیت فراگیر و همگانی؛ زندگی مدنی در جامعه متکثر نیازمند مسئولیت‌پذیری دولت و شهروندان است. نخستین مسئولیت دولت در قبال شهروندان مبتنی بر قرارداد اجتماعی، صیانت ذات و حفاظت از دستاوردهای مشروع شهروندان است. تأکید شهید مزاری بر مطالبه حقوق همراه با پرهیز از ایجاد دشمنی اقوام که از آن به‌عنوان فاجعه یاد می‌کرد، به همین مسئولیت‌پذیری دولت و شهروندان نسبت به همدیگر است. از منظر ایشان امنیت فراگیر، زمانی محقق می‌شود که دولت و شهروندان به حق برخورداری از زندگی مسالمت‌آمیز شهروندان احترام بگذارند. هرگونه فزون‌خواهی با هویت‌های قومی در این روند اختلال وارد کرده و موجب ایجاد فاجعه می‌شود.

ب. پذیرش تکثرهای هویتی: اگر جامعه، محل تعاون و همکاری افراد بر اساس عقلانیت است، در شهروندی، هویت درجه‌یک و درجه‌دو وجود نخواهد داشت. شهروندان به‌مثابه بانیان جامعه، هرکدام هویت خاص خود را دارند. به این ترتیب پذیرش کثرت‌گرایی هویتی، مبتنی بر برابری شهروندان است. تأکید شهید مزاری به زدودن جرم‌پنداری برخی از هویت‌ها که در

”

زندگی مدنی در جامعه متکثر نیازمند مسئولیت‌پذیری دولت و شهروندان است. نخستین مسئولیت دولت در قبال شهروندان مبتنی بر قرارداد اجتماعی، صیانت ذات و حفاظت از دستاوردهای مشروع شهروندان است.

“

(گای، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

دیگر مفهوم بنیادین، عدالت است که در اواخر قرن بیستم از اهمیت برخوردار شد (البته که عدالت در فلسفه سیاسی کلاسیک جایگاه یگانه‌ای داشت). از گذشته دور عدالت به‌معنای اعطای حق به ذی‌حق و یا قرار دادن چیزی سر جای خودش تعریف شده است. این‌گونه تعریف‌ها از عدالت، تعریف کاملاً صوری و بی‌محتوا است. فقدان محتوا در این تعریف معطوف به فقدان ملاک حق است. با فراگیر شدن ایده شهروندی، عدالت به برابری بسیار نزدیک شده و برخی از متفکران، عدالت را به معنای برابری پیچیده تعریف کرده‌اند. برابری ساده رویکرد کمونیستی به برابری دارد و در تمام امور خواهان برابری است؛ اما برابری پیچیده در پی تفسیر عقلانی از آن است؛ هر امری متفاوت که منشأ انتزاع آن فرصت برابر باشد، پذیرفته است و لو نتایج نابرابر گونه داشته باشد. عدالت به‌مثابه برابری به اصیل بودن فرد شهروندان توجه دارد. در حقیقت با افزوده شدن برابری است که فرد به‌مثابه شهروند جایگاه خود را در جامعه باز می‌یابد. در پی توسعه لیبرالیسم بسیاری از جوامع به آزادی به‌صورت حداکثری دست‌یافته‌اند؛ اما برابری هنوز مرجع کنش‌ها و واکنش‌های بسیاری از جنبش‌های اجتماعی در جهان مدرن و پسا‌مدرنیته است. برابری، عنصر عمق دهی و فراگیر کردن حقوق شهروندی است و می‌توان مدعی شد که امروزه محک و میزان مطلوبیت

دولت‌های گذشته و به صورت یک واقعیت تاریخی درآمده بود، این عنصر از برابری را مورد نظر دارد.

ج. مشارکت در تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری، نشان‌دهندهٔ عاملیت شهروند در جامعه است. جامعه به‌مثابهٔ وضع مدنی خود آیین، تنها با پذیرش برابری در عاملیت شهروندان است که میزان برخورداری از عقلانیت و انصاف را نشان می‌دهد. فقدان عاملیت، با احساس سرکوب و تبعیض منتهی می‌شود و طبیعی است که شهروند به‌عنوان پایه‌گذار حیات مدنی، نمی‌تواند موجبات سرکوب‌گری خویش را فراهم کند. موضع‌گیری معروف شهید مزاری در رد تصمیم‌گیری غیابی نسبت به توزیع قدرت، به این سیمای از برابری توجه دارد.

د. توسعهٔ متوازن: توسعه مرتبط با عدالت توزیعی است که از وظایف مهم دولت ملی است. توسعه به‌گسترش رفاه شهروندان توجه دارد و صفت متوازن همان برابری پیچیده را بازتاب می‌دهد. بخشی از نارضایتی گستردهٔ مناطق مرکزی از دولت‌ها فقدان موازنه میان تکالیف و برخورداری از توسعه بوده است. تأکید شهید مزاری بر توقف تبعیض و ستم که آن را از اهداف بنیادین حزب وحدت می‌دانست به این سیمای از برابری و عدالت اجتماعی نظر دارد. رئیس‌جمهور نیز به‌درستی تبیین کرد که عدالت اجتماعی و توسعهٔ متوازن از اهداف شهید مزاری بوده است (روزنامهٔ افغانستان ما، ۱۳۹۵).

ه. اصلاحات سیاسی و اجتماعی: آخرین مؤلفه در این صورت‌بندی به کنش‌های او توجه دارد. کنش‌هایی که در راستای همان اندیشهٔ برابری‌خواهی و تحقق عدالت اجتماعی صورت گرفت. حرکت‌های سیاسی و نظامی او پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی، معطوف به بازسازی ساختار سیاسی و اجتماعی بود که بر محوریت برابری می‌چرخید. این دقیقاً از آن جهت نیز مهم است که امروزه نیازمند تداوم است. او فرایندی را آغاز کرد که ما گذرگاه نخست آن را با موفقیت سپری کرده‌ایم؛ یعنی پذیرش و رسمیت‌یابی برابری به‌عنوان یکی از حقوق شهروندی، اما دستیابی به برابری به‌صورت حداکثری در

”

توسعه مرتبط با عدالت توزیعی است که از وظایف مهم دولت ملی است. توسعه به گسترش رفاه شهروندان توجه دارد و صفت متوازن همان برابری پیچیده را بازتاب می‌دهد. بخشی از نارضایتی گستردهٔ مناطق مرکزی از دولت‌ها فقدان موازنه میان تکالیف و برخورداری از توسعه بوده است.

“

افغانستان به دو صورت واقعی و صوری قابل تفکیک است. تکامل وضعیت موجود با تعمق برابری در جامعهٔ افغانستان رابطهٔ نزدیک دارد. عمق بخشی عنصر برابری به‌عنوان یک حق بنیادین شهروندان هم تداوم‌دهنده مسیر عدالت‌خواهی شهید مزاری است و هم به‌عنوان رسالت ملی نخبگان مورد نظر است؛ رسالتی که فرایند دولت‌سازی و ملت‌سازی مدرن در افغانستان را مستحکم می‌کند.

منابع:

۱. اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰). فهم نظریه‌های سیاسی (چاپ دوم)، ترجمه: فرهنگ رجایی. تهران: نشر آگه.
۲. روزنامهٔ افغانستان ما (۱۳۹۵). سخنرانی رئیس‌جمهور در بیست‌ویکمین سالگرد شهید وحدت ملی. تاریخ دسترسی ۲۰ دلو ۱۳۹۷. <http://www.dailyafghanistan.com>.
۳. گای، ماری (۱۳۸۸). شهروند در تاریخ اندیشهٔ غرب، ترجمه: عباس باقری. تهران: نشر فرزاد.